



Jurisprudential–Legal Analysis of the Object of Contract in Intellectual and Research Related Transactions, with Emphasis on the Condition of Ability to Deliver

Hassan Sadrzadeh ¹, Mostafa Soleimani ²

1. M.A. student in Private Law, Allameh Askari International University, Qom, Iran. Email: book1996@iran.ir

2. Level 4 (Advanced) in Jurisprudence and Principles, Islamic Seminary of Qom, Iran. Email: amd174217@gmail.com

Abstract

Received:
04/03/2026
Revised:
01/05/2026
Accepted:
29/05/2026
Published
online:
26/06/2026

The expansion of transactions based on intellectual, scientific, and research activities in the contemporary era has made it necessary to revisit certain classical concepts of contract law. Among these, the condition of “ability to deliver” as a foundational requirement for the validity of transactions in Imami jurisprudence and Iranian law faces serious interpretive challenges when applied to intangible subject matter. The central question of this study is whether, given the non-material nature of intellectual and research transactions, the condition of ability to deliver can be fulfilled in this field and, if so, what the interpretive criterion should be in the absence of a tangible object. Using a descriptive-analytical method and relying on authoritative sources of Imami jurisprudence, the Iranian Civil Code, and legal doctrinal opinions, this study examines the foundations of ability to deliver and its compatibility with the nature of intellectual contracts. Analysis of the jurisprudential and legal bases indicates that in intellectual transactions, delivery has an abstract and legal character; thus, ability to deliver does not mean physical or material transfer, but rather a reasonable possibility of performance and the avoidance of uncertainty. The findings show that, because most such contracts are structured as obligations of means, the non-material nature of the subject matter does not by itself prevent fulfillment of the condition of ability to deliver. The study also highlights the need to distinguish between ability to deliver as a condition of validity and the manner of delivery at the stage of performance. This distinction prevents the incorrect extension of rules governing material transactions to intellectual and research contracts. By offering an obligation-based and custom-oriented interpretation of this condition, the study confirms the validity of such transactions within the framework of Imami jurisprudence and Iranian Law. This approach addresses theoretical gaps and provides a basis for interpretive solutions for lawmakers and courts in dealing with the new challenges of scientific and research contracts.

Keywords: Ability to Deliver; Intellectual and Research Transactions; Subject Matter of Contract; Imami Jurisprudence; Iranian Law.

How To Cite: Sadrzadeh, H & Soleimani, M. (2026). Jurisprudential–Legal Analysis of the Object of Contract in Intellectual and Research Related Transactions, with Emphasis on the Condition of Ability to Deliver, *Insights of Intellectual Property Law in Islamic Countries*, 2(2), 90-107. <https://www.doi.org/10.22091/diplic.2026.15363.1041>





بررسی فقهی حقوقی موضوع قرارداد در معاملات فکری و پژوهشی با تأکید بر شرط قدرت بر تسلیم

حسن صدرزاده^۱، مصطفی سلیمانان^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه علامه عسکری، قم، ایران، رایانامه: book1996@iran.ir
 ۲. دانش‌آموخته سطح (۴)، فقه و اصول حوزه علمیه قم، استاد گروه حقوق دانشگاه علامه عسکری قم، ایران، رایانامه: amd174217@gmail.com

چکیده

گسترش معاملات مبتنی بر فعالیت‌های فکری و علمی و پژوهشی در دوران معاصر، ضرورت بازخوانی و بازنگری در برخی مفاهیم کلاسیک حقوق قراردادها را آشکار کرده است. در این میان، شرط «قدرت بر تسلیم» به‌عنوان یکی از مفاهیم بنیادین و شرط اساسی صحت معامله در فقه امامیه و حقوق ایران، در مواجهه با موضوعات غیرمادی با چالش‌های تفسیری جدی روبه‌روست. پرسش اصلی و هدف بنیادین این پژوهش آن است که با توجه به ماهیت غیرمادی موضوع معاملات فکری و پژوهشی، آیا شرط قدرت بر تسلیم در این حوزه قابل تحقق است و معیار تفسیر آن در غیاب عین مادی چیست؟ این مطالعه با اتخاذ روش توصیفی تحلیلی و با استناد به منابع اصیل فقه امامیه، مواد قانون مدنی و دیدگاه‌های دکترین حقوقی، به واکاوی مبانی قدرت بر تسلیم و انطباق آن با ماهیت قراردادهای فکری پرداخته است. تحلیل مبانی فقهی و حقوقی بیانگر آن است که در معاملات فکری، «تسلیم» ماهیتی اعتباری دارد و قدرت بر تسلیم در این حوزه، نه به معنای تحویل مادی و عینی، بلکه ناظر بر «امکان عقلایی اجرای تعهد» و «جلوگیری از غرر» است. یافته‌ها نشان می‌دهد که به دلیل ماهیت «تعهد به وسیله» در اغلب این قراردادها، غیرمادی بودن موضوع فی‌نفسه مانع تحقق شرط قدرت بر تسلیم نیست. همچنین، این پژوهش ضرورت تفکیک میان «قدرت بر تسلیم» (به‌عنوان شرط صحت عقد) و «شبهه تسلیم» (در مقام اجرای تعهد) را آشکار می‌سازد؛ تفکیکی که از تعمیم نادرست احکام معاملات مادی به قراردادهای فکری و پژوهشی ممانعت می‌کند. پژوهش حاضر با ارائه تفسیری تعهدمحور و عرف‌مدار از این شرط، امکان توجیه صحت و اعتبار این دسته از معاملات را در چارچوب فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران تأیید می‌کند. این رویکرد نه تنها خلأهای نظری را پر می‌کند، بلکه زمینه ارائه راهکارهای تفسیری کارآمد برای قانون‌گذار و محاکم قضایی در برخورد با چالش‌های نوین قراردادهای علمی و پژوهشی را فراهم می‌سازد.

کلیدواژه: شرط قدرت بر تسلیم، معاملات فکری و پژوهشی، موضوع قرارداد، فقه امامیه، حقوق موضوعه ایران.

تاریخ دریافت:
۱۴۰۴/۱۲/۱۳
تاریخ اصلاح:
۱۴۰۵/۰۲/۱۱
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۵/۰۳/۰۸
تاریخ انتشار برخط:
۱۴۰۵/۰۴/۰۵

استناد: صدرزاده، حسن و سلیمانان، مصطفی (۱۴۰۵). بررسی فقهی حقوقی موضوع قرارداد در معاملات فکری و پژوهشی با تأکید بر شرط قدرت بر تسلیم، آموزه‌های حقوق مالکیت فکری کشورهای اسلامی، (۲)۲، ۱۰۷-۹۰. <https://www.doi.org/10.22091/diplic.2026.15363.1041>



مقدمه

گسترش روزافزون فعالیت‌های علمی، فناورانه و پژوهشی در جوامع معاصر، موجب شکل‌گیری گونه‌ای نوین از روابط قراردادی شده است که موضوع آن نه اموال مادی، بلکه دستاوردهای فکری و علمی و پژوهشی است. این نوع قراردادها که در قالب‌هایی مانند قراردادهای پژوهشی، تولید محتوا، مشاوره علمی، نگارش آثار علمی، انتقال دانش فنی و خدمات مبتنی بر فکر منعقد می‌شوند، جایگاه مهمی در تعاملات علمی و اقتصادی امروز یافته‌اند. باین حال، ماهیت غیرمادی و گاه غیرقابل لمس موضوع این قراردادها، چالش‌های جدی فقهی و حقوقی را در زمینه اعتبار و صحت آن‌ها مطرح می‌سازد. این چالش‌ها عمدتاً به تضادهای نظری در چگونگی اعمال شرط «قدرت بر تسلیم» (در قراردادهای فکری و پژوهشی مربوط می‌شود، چراکه در این نوع قراردادها، تسلیم به‌طور سنتی به معنای تحویل مادی نیست، بلکه به معنای انجام تعهدات علمی و تحقق نتایج فکری است. این تضادها در تفسیر و کاربرد شرط «قدرت بر تسلیم» از زاویه‌های مختلف فقهی و حقوقی باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

یکی از شرایط اساسی صحت معاملات در فقه و حقوق، قدرت بر تسلیم موضوع قرارداد است. این شرط که ریشه در جلوگیری از غرر و جهل و نزاع دارد، اقتضا می‌کند که متعاقدين در زمان انعقاد عقد، قادر بر تسلیم مورد معامله باشند یا دست کم امکان عقلایی تسلیم آن وجود داشته باشد. در معاملات سنتی که موضوع آن‌ها غالباً اموال عینی و مادی است، تشخیص تحقق این شرط با دشواری کمتری همراه است؛ اما در معاملات فکری و پژوهشی که موضوع قرارداد می‌تواند دانش، ایده، نتیجه پژوهش یا تعهد به انجام فعالیت علمی باشد، مفهوم «تسلیم» با ابهام‌ها و تفاسیر متعددی مواجه می‌شود.

از سوی دیگر، در نظام حقوقی ایران و به‌ویژه در فقه امامیه، بحث شرط قدرت بر تسلیم غالباً در چارچوب معاملات عینی و کلاسیک مورد بررسی قرار گرفته و تحلیل منسجم و مستقلی از انطباق این شرط با قراردادهای فکری و پژوهشی کمتر به چشم می‌خورد. بسیاری از آثار موجود، یا صرفاً به بیان کلی شرایط صحت معامله بسنده کرده‌اند، یا بدون توجه به ویژگی‌های خاص معاملات فکری، احکام معاملات سنتی را به این حوزه تسری داده‌اند. این امر، خلأ پژوهشی قابل توجهی را در زمینه تبیین جایگاه و کارکرد شرط قدرت بر تسلیم در قراردادهای فکری و پژوهشی ایجاد کرده است.

بر این اساس، مقاله حاضر درصدد است با رویکردی فقهی حقوقی، به بررسی و تحلیل شرط قدرت بر تسلیم در چارچوب معاملات فکری و پژوهشی بپردازد و نشان دهد که آیا و چگونه می‌توان این شرط را با

ماهیت خاص این گونه قراردادها سازگار دانست. پرسش اصلی پژوهش آن است که آیا شرط قدرت بر تسلیم، به معنای متعارف فقهی و حقوقی آن، در معاملات فکری و پژوهشی قابل تحقق است و در صورت تفاوت، چه تفسیر یا بازخوانی‌ای از این شرط می‌تواند اعتبار این قراردادها را توجیه کند؟ فرضیه مقاله بر این مبنا استوار است که در معاملات فکری و پژوهشی، مفهوم تسلیم ماهیتی اعتباری و تعهدمحور دارد و می‌توان با تفسیر موسع و متناسب از شرط قدرت بر تسلیم، صحت و اعتبار این نوع قراردادها را در چارچوب فقه و حقوق توجیه نمود. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی تحلیلی بوده و با تکیه بر تحلیل منابع فقه امامیه، مقررات قانون مدنی و دکترین حقوقی انجام شده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. معاملات فکری و پژوهشی

معاملات فکری و پژوهشی به دسته‌ای از روابط قراردادی اطلاق می‌شود که موضوع آن‌ها نه اموال مادی و عینی، بلکه دستاوردهای ذهنی، علمی و فکری انسان یا تعهد به انجام فعالیتی مبتنی بر فکر و دانش است. در این گونه معاملات، ارزش اقتصادی قرارداد ناشی از فعالیت فکری و تخصص علمی متعهد است، نه از انتقال عین خارجی معین (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۲). تمایز اصلی این نوع قراردادها با قراردادهای سنتی در این است که در قراردادهای سنتی، موضوع معامله معمولاً اموال مادی هستند که قابلیت تحویل فیزیکی دارند. اما در معاملات فکری و پژوهشی، موضوع قرارداد می‌تواند شامل ایده‌ها، نتایج علمی یا فعالیت‌های فکری باشد که نتیجه آن در غالب دست‌آوردهای غیرمادی متجلی می‌شود. به‌عنوان مثال، در قراردادهای پژوهشی، تعهد به ارائه یک تحقیق یا پروژه علمی به‌جای تحویل یک کالای مادی، مورد توافق قرار می‌گیرد.

در قانون مدنی ایران، اموال به منقول و غیرمنقول تقسیم شده‌اند و این تقسیم ناظر به اموالی است که قابلیت نقل و انتقال مادی دارند (قانون مدنی، ماده ۱۱: ۲۳). این در حالی است که موضوع معاملات فکری اساساً در هیچ‌یک از این دو دسته کلاسیک نمی‌گنجد، زیرا نه عین مادی است و نه قابلیت نقل مکانی دارد. همین امر نشان می‌دهد که تحلیل معاملات فکری صرفاً با معیارهای اموال مادی منقول و غیرمنقول، با دشواری جدی مواجه است (قانون مدنی، مواد ۱۱ و ۱۲: ۲۳-۲۴). از این رو، معاملات فکری و پژوهشی را باید در زمره قراردادهایی دانست که موضوع آن‌ها تعهد به انجام عمل یا ایجاد نتیجه فکری است، نه انتقال مال به معنای مصطلح در قانون مدنی (صفایی و امامی، ۱۳۹۶: ۴۵). این معاملات به‌ویژه در زمینه پژوهش‌های

علمی، مشاوره‌های فنی یا ایجاد ایده‌های نوین و انتقال دانش بسیار رایج هستند، جایی که در آن‌ها نتیجه فکری به جای انتقال مادی موضوع قرارداد، محقق می‌شود.

۲-۱. موضوع قرارداد

موضوع قرارداد یکی از ارکان اساسی هر عقد محسوب می‌شود و عبارت است از آنچه تعهد طرفین به آن تعلق می‌گیرد. در فقه امامیه، این مفهوم با عنوان «مورد معامله» مطرح شده و تحقق عقد منوط به آن است که مورد معامله دارای مالیت، منفعت عقلایی، مشروعیت و امکان تسلیم باشد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲: ۳۶۵). در حقوق ایران نیز موضوع قرارداد باید معین و مشروع و قابل تسلیم باشد. اگرچه قانون مدنی این شرایط را عمدتاً در بستر اموال مادی بیان کرده، اما از مفاد مواد مربوط به اموال چنین برمی‌آید که قانون‌گذار ناظر به قابلیت انتساب و امکان سلطه حقوقی بر موضوع معامله بوده است، نه صرفاً وجود فیزیکی آن (قانون مدنی، ماده ۱۲: ۲۴). بر این اساس، موضوع قرارداد می‌تواند انجام عمل، ترک فعل یا ایجاد یک وضعیت حقوقی باشد. این برداشت در قراردادهای خدماتی و فکری اهمیت مضاعف می‌یابد؛ چراکه در این قراردادهای، موضوع تعهد غالباً انجام فعالیت فکری یا ارائه نتیجه پژوهشی است، نه تسلیم عین مادی (امامی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۱۴).

در نتیجه، تمایز میان «موضوع به‌عنوان عین» و «موضوع به‌عنوان تعهد» نقش کلیدی در تحلیل صحت معاملات فکری و پژوهشی دارد. در معاملات فکری و پژوهشی، موضوع قرارداد معمولاً تعهد به انجام عمل فکری یا ارائه نتایج علمی است که نتیجه آن غیرمادی و غیرقابل لمس است. بنابراین در این گونه قراردادهای، شرط «قدرت بر تسلیم» به معنای توانایی انجام تعهد علمی یا ارائه نتیجه پژوهشی است، نه تحویل عین مادی. به عبارت دیگر، «قدرت بر تسلیم» در این قراردادهای به امکان عقلایی انجام تعهد و تحقق نتیجه علمی اشاره دارد، نه به تحویل یک کالای مادی معین.

۳-۱. قراردادهای مالکیت فکری و معاملات فکری پژوهشی: انواع، ساختار و ویژگی‌ها

قراردادهای مالکیت فکری از مهم‌ترین نمودهای انتقال و بهره‌برداری از دارایی‌های نامشهود در عصر دانش محور به شمار می‌آیند. این قراردادهای برخلاف معاملات سنتی که موضوع آن‌ها اموال مادی است، ناظر به انتقال یا اعطای حق بهره‌برداری از حقوق فکری می‌باشند؛ حقوقی که بر آثار ادبی و هنری، اختراعات، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی و دانش فنی تعلق می‌گیرد (محمدی، ۱۳۹۸: ۷۳).

در ادبیات حقوقی ایران، قراردادهای مالکیت فکری در دو دسته کلی قابل تفکیک اند:

۱. قراردادهای انتقال حق: ^۱ در این نوع، مالک حق فکری تمامی حقوق مادی خود را نسبت به اثر یا اختراع به دیگری واگذار می کند، نظیر قرارداد انتقال حق مؤلف یا حق اختراع. این قرارداد در حکم بیع حق غیرمادی است و تابع قواعد عمومی قراردادها در مواد ۱۰ و ۳۳۸ قانون مدنی قرار می گیرد (حسینی نیک، ۱۳۹۴: ۲۴۱).

۲. قراردادهای بهره برداری یا اجازه نامه: ^۲ در این موارد، مالک حق فکری، حق استفاده از اثر یا اختراع را بدون انتقال مالکیت به دیگری واگذار می کند. از جمله می توان به «قرارداد ليسانس نرم افزار»، «پیمان نامه نشر» و «قرارداد انتقال دانش فنی» ^۳ اشاره کرد (محمدی، ۱۳۹۸: ۸۱؛ رجبی، ۱۳۹۶: ۱۲۸).

نکته مهم در این دسته از قراردادها آن است که موضوع قرارداد غالباً «حق» است، نه «عین»؛ لذا پذیرش شرط قدرت بر تسلیم نیازمند بازخوانی متناسب با ماهیت غیرعینی و اعتباری این موضوعات است. در این حوزه، «تسلیم» نه به معنای تحویل فیزیکی، بلکه به معنای ایجاد امکان بهره برداری حقوقی و فنی از حق فکری است؛ مانند ثبت رسمی انتقال در اداره مالکیت صنعتی یا تحویل کد منبع نرم افزار (حسینی نیک، ۱۳۹۴: ۲۴۳).

ویژگی های بنیادین قراردادهای مالکیت فکری را می توان چنین برشمرد:

- موضوع آنها غیرمادی و نامحسوس است؛ یعنی دارایی ای که وجود خارجی مستقل ندارد و ماهیت اعتباری دارد (محمدی، ۱۳۹۸: ۶۵)؛
- غالباً مدت دار و اقلیمی و محدود به شیوه بهره برداری اند؛ مثلاً مجوز بهره برداری در یک کشور یا در طول پنج سال (رجبی، ۱۳۹۶: ۱۳۲)؛
- دارای الزامات جانبی اند؛ از جمله شرط محرمانگی، عدم افشاء، شرط عدم رقابت و تعهد به انتقال فناوری کامل (حسینی نیک، ۱۳۹۴: ۲۴۴)؛

1 . Assignment Contracts

2 . License Agreements

3 . Know-How Transfer

- در برخی موارد نیازمند تشریفات خاص‌اند، مانند لزوم ثبت انتقال حق اختراع یا علامت تجاری برای قابلیت استناد در برابر ثالث (قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶، ماده ۵۰).

در معاملات فکری و پژوهشی مانند قراردادهای پژوهش‌های سفارشی، نگارش علمی، تولید محتوا یا توسعه نرم‌افزار اغلب همین قواعد بر روابط طرفین حاکم است، هرچند ممکن است صورت عقد در قالب اجاره، جعاله یا صلح تنظیم شود (محمدی، ۱۳۹۸: ۹۲). هدف این قراردادها غالباً انتقال نتایج فکری یا حقوق بهره‌برداری از آن است و از این حیث در شمار قراردادهای مرتبط با مالکیت فکری قرار می‌گیرند.

۴-۱. شرط قدرت بر تسلیم (در فقه و حقوق)

شرط قدرت بر تسلیم ازجمله شرایط اساسی صحت معامله است که در حقوق ایران، هم در قالب شرایط عمومی صحت عقد و هم در قالب آثار عقد بیع مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۱۹۰ قانون مدنی، شرایط اساسی صحت معاملات را برمی‌شمارد که یکی از آنها «موضوع معین که مورد معامله باشد» است. این شرط، به‌طور ضمنی ناظر بر آن است که موضوع قرارداد باید قابلیت تحقق و اجرای تعهد را داشته باشد؛ چراکه موضوعی که امکان تسلیم آن وجود نداشته باشد، عملاً نمی‌تواند مورد تراضی معتبر واقع شود (قانون مدنی، ماده ۱۹۰: ۵۰).

این معنا در ماده ۳۴۸ قانون مدنی به‌صورت صریح‌تری بیان شده است؛ آنجا که مقرر می‌دارد: «بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است یا چیزی که قدرت بر تسلیم آن نیست، باطل است.» مفاد این ماده نشان می‌دهد که قدرت بر تسلیم، شرطی مستقل و اساسی برای صحت معامله محسوب می‌شود و فقدان آن، حتی در صورت تحقق سایر شرایط، موجب بطلان عقد خواهد بود (قانون مدنی، ماده ۳۴۸: ۱۳۲). نکته قابل توجه آن است که قانون‌گذار در این ماده، قدرت بر تسلیم را ناظر بر «امکان عقلایی تسلیم» دانسته، نه لزوماً تسلیم فوری یا مادی. این برداشت با تحلیل ماده ۳۶۲ قانون مدنی تقویت می‌شود. مطابق بند نخست این ماده، به مجرد وقوع بیع صحیح، «مشتري مالک مبيع و بايع مالک ثمن می‌شود». تحقق چنین اثری مستلزم آن است که مبيع، دست‌کم از حیث حقوقی، قابلیت انتقال و تسلیم را داشته باشد؛ در غیر این صورت، تحقق اثر تملیکی عقد فاقد مبنای عقلایی خواهد بود (قانون مدنی، ماده ۳۶۲: ۱۳۹).

از مجموع این مقررات چنین استنباط می‌شود که شرط قدرت بر تسلیم در حقوق ایران، بیش از آنکه ناظر بر تحویل فیزیکی و عینی باشد، معطوف به امکان اجرای تعهد و تحقق اثر حقوقی عقد است. بنابراین،

در مواردی که موضوع قرارداد ماهیتی غیرمادی دارد، مانند معاملات فکری و پژوهشی، نمی‌توان مفهوم قدرت بر تسلیم را به معنای سنتی و مادی آن محدود کرد، بلکه باید آن را در چارچوب امکان عقلایی انجام تعهد و تحقق نتیجه قراردادی تفسیر نمود.

در قراردادهای فکری و پژوهشی که موضوع قرارداد به‌طور عمده شامل فعالیت‌های علمی، پژوهشی و فکری است، باید به جای تحویل مادی، به توانایی انجام تعهد علمی یا ارائه نتایج پژوهشی توجه کرد. این نوع تعهدات در بسیاری از قراردادهای فکری و پژوهشی، بر اساس توانایی علمی و فرایند انجام فعالیت‌های فکری تبیین می‌شود، نه تحویل یک کالای مادی. بر این اساس، چنانچه متعهد در قراردادهای فکری و پژوهشی، از نظر عرفی و عقلایی قادر به انجام فعالیت علمی یا ارائه نتیجه مورد تعهد باشد، شرط قدرت بر تسلیم محقق تلقی می‌شود؛ هرچند موضوع قرارداد، عین مادی قابل تحویل نباشد. این تفسیر، ضمن هماهنگی با نص مواد ۱۹۰، ۳۴۸ و ۳۶۲ قانون مدنی، امکان توجیه صحت این‌گونه قراردادها را در نظام حقوقی ایران فراهم می‌سازد.

۲. شرط قدرت بر تسلیم در فقه امامیه

۲-۱. ادله اعتبار شرط قدرت بر تسلیم

الف. ادله عقلی: از منظر عقل، صحت هر معامله متوقف بر آن است که موضوع آن قابلیت تحقق و تسلیم داشته باشد؛ زیرا تعهد به امری که انجام آن مقدور نیست، تعهدی لغو و فاقد اثر عقلایی تلقی می‌شود. عقل عرفی، معامله‌ای را که موضوع آن اساساً غیرقابل تسلیم است، مصداق اقدام به امر غیرمقدور دانسته و آن را منشأ نزاع و اختلاف و اتلاف مال می‌داند. از این رو، شرط قدرت بر تسلیم به‌عنوان یکی از لوازم عقلایی صحت معامله مورد پذیرش قرار گرفته است (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۲، ۳۷۲).

فقهای امامیه نیز با تکیه بر همین مبنای عقلی تصریح کرده‌اند که معامله بر چیزی که تسلیم آن مقدور نیست، فاقد غرض عقلایی بوده و نمی‌تواند موضوع عقد صحیح قرار گیرد، مگر آنکه امکان عقلایی تسلیم در آینده وجود داشته باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ۱۵۶).

در قراردادهای فکری و پژوهشی نیز، قدرت بر تسلیم به معنای توانایی اجرای تعهدات فکری و علمی است. به‌عنوان مثال، در قراردادهای پژوهشی که موضوع آن تحقیق علمی است، «قدرت بر تسلیم» به معنای توانایی محقق در ارائه نتایج تحقیقاتی و دستیابی به اهداف پژوهشی است، نه تحویل یک کالای مادی. در

این گونه قراردادهای، تسلیم به معنای توانایی انجام فعالیت علمی و نه الزاماً تحویل فیزیکی است. بنابراین، شرط قدرت بر تسلیم در این قراردادها باید به توانایی تحقیق و ارائه نتایج علمی تفسیر شود.

ب. ادله نقلی: مهم‌ترین دلیل نقلی اعتبار شرط قدرت بر تسلیم، روایات ناظر بر نهی از معاملات غری است. روایت معروف «نهی النبی عن بیع الغرر» به عنوان یکی از مستندات اصلی فقها در این زمینه مورد استناد قرار گرفته است. فقها غرر را به معامله‌ای تفسیر کرده‌اند که نتیجه آن مجهول یا تحقق مورد معامله در آن غیرمطمئن باشد (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۲، ۳۷۴). در مواردی که قدرت بر تسلیم وجود ندارد، معامله غالباً با خطر عدم تحقق مورد معامله همراه است و همین امر، آن را در دایره غرر قرار می‌دهد. از این رو، فقها عدم قدرت بر تسلیم را از مصادیق بارز غرر دانسته‌اند و بر این اساس، حکم به بطلان چنین معاملاتی داده‌اند (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ۴۸۸).

در قراردادهای فکری و پژوهشی، غرر ممکن است به معنای عدم تحقق نتیجه فکری یا نتیجه علمی باشد. به طور مثال، در یک قرارداد مشاوره علمی، طرفین ممکن است نگران این نباشند که مشاور یک شیء فیزیکی تحویل دهد، بلکه نگرانی آن‌ها از تحقق نتایج علمی مطلوب است. به همین دلیل، عدم قدرت بر تسلیم در این گونه قراردادهای می‌تواند به غرر عرفی منجر شود، زیرا طرفین از نتیجه علمی و فکری نهایی اطمینان ندارند.

۲-۲. ارتباط شرط قدرت بر تسلیم با غرر و جهل و بطلان معامله

در فقه امامیه، شرط قدرت بر تسلیم ارتباط تنگاتنگی با مفاهیم غرر و جهل دارد. معامله‌ای که در آن تسلیم مورد معامله ممکن نباشد، معمولاً با جهل نسبت به تحقق نتیجه همراه است؛ چرا که طرفین به ویژه متعهدله، نسبت به وصول مورد معامله در حالت عدم اطمینان قرار می‌گیرند. این جهل اگر مؤثر باشد، موجب غرری شدن معامله خواهد شد (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ۴۶۳). با این حال، فقهای امامیه میان «عدم قدرت مطلق بر تسلیم» و «عدم قطعیت در تحقق نتیجه» تفکیک قائل شده‌اند. در صورتی که تسلیم مورد معامله ذاتاً غیرممکن باشد، معامله باطل است؛ اما اگر تسلیم در زمان عقد ممکن نباشد ولی امکان عقلایی تحقق آن در آینده وجود داشته باشد، معامله لزوماً باطل تلقی نمی‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ۱۵۸).

بر این اساس، ملاک بطلان، صرف عدم تحقق فوری تسلیم نیست، بلکه تحقق غرر عرفی و جهل مؤثر است. اگر عرف، معامله را متضمن ریسک نامتعارف و غیرقابل پذیرش بداند، بطلان عقد نتیجه طبیعی آن خواهد بود؛ در غیر این صورت اصل صحت معامله محفوظ می‌ماند (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۲، ۳۷۶).

۳-۲. مثال‌های تطبیقی در فقه امامیه

فقهای امامیه برای تبیین شرط قدرت بر تسلیم، مثال‌های متعددی ارائه کرده‌اند که تحلیل آن‌ها در فهم معاملات فکری و پژوهشی بسیار راهگشاست. از جمله بیع پرنده‌ای که در آسمان در حال پرواز است یا ماهی‌ای که در آب آزاد قرار دارد، به دلیل عدم قدرت بر تسلیم، باطل دانسته شده است؛ زیرا تسلیم آن در اختیار بایع نیست و تحقق معامله با عدم قطعیت جدی مواجه است (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۲، ۳۷۸). در مقابل، اجاره شخص برای انجام عمل، مانند تعلیم، کتابت یا انجام کار تخصصی، علی‌رغم عدم قطعیت نتیجه، صحیح دانسته شده است؛ زیرا موضوع عقد، تعهد به انجام عمل است، نه تضمین تحقق نتیجه خاص. در این موارد، قدرت بر تسلیم به معنای توانایی عرفی شخص بر انجام عمل تفسیر می‌شود، نه تضمین نتیجه نهایی (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۹۱).

این تفکیک فقهی میان «تعهد به عین» و «تعهد به عمل»، نقش کلیدی در تحلیل معاملات فکری و پژوهشی دارد؛ چراکه در این معاملات نیز غالباً با تعهد به بذل کوشش علمی مواجه هستیم، نه تعهد به نتیجه‌ای کاملاً قابل پیش‌بینی. برای مثال، در قراردادهای پژوهشی یا مشاوره علمی، قدرت بر تسلیم به معنای توانایی اجرای تعهدات علمی است و نه تحویل یک کالا یا نتیجه قطعی. از همین رو، می‌توان گفت فقه امامیه با پذیرش چنین تفکیکی، زمینه انطباق شرط قدرت بر تسلیم با قراردادهای فکری و پژوهشی را فراهم ساخته است.

در این قراردادها، تسلیم نه به معنای تحویل عین مادی بلکه به معنای توانایی متعهد در اجرای تعهد فکری یا ارائه نتیجه علمی تفسیر می‌شود. به‌عنوان مثال، در قرارداد مشاوره علمی، قدرت بر تسلیم به معنای توانایی مشاور برای ارائه مشاوره مؤثر است، حتی اگر نتیجه نهایی، مانند دستاورد علمی دقیق، پیش‌بینی شده نباشد. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که در قراردادهای فکری، تسلیم به معنای عمل فکری و تحقیق علمی است و نه انتقال فیزیکی چیزی.

۳. شرط قدرت بر تسلیم در حقوق موضوعه ایران

۳-۱. شرط قدرت بر تسلیم در قانون مدنی

در حقوق موضوعه ایران، شرط قدرت بر تسلیم به‌عنوان یکی از ارکان اساسی صحت معامله، هم در قالب شرایط عمومی صحت عقد و هم در مقررات خاص بیع مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. ماده ۱۹۰ قانون مدنی، با ذکر «موضوع معین که مورد معامله باشد» به‌عنوان یکی از شرایط اساسی صحت معاملات،

به‌طور ضمنی بر ضرورت قابلیت تحقق و اجرای موضوع قرارداد دلالت دارد؛ چراکه موضوعی که تسلیم یا اجرای آن ممکن نباشد، نمی‌تواند به‌طور مؤثر مورد تراضی واقع شود (قانون مدنی، ماده ۱۹۰: ۵۰).

این معنا به‌صورت صریح‌تر در ماده ۳۴۸ قانون مدنی بیان شده است. مطابق این ماده، «بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است یا چیزی که قدرت بر تسلیم آن نیست، باطل است». تصریح قانون‌گذار به بطلان معامله در صورت فقدان قدرت بر تسلیم، نشان‌دهنده جایگاه اساسی این شرط در نظام حقوقی ایران است (قانون مدنی، ماده ۳۴۸: ۱۳۲). افزون بر این، ماده ۳۶۲ قانون مدنی که آثار بیع صحیح را برمی‌شمارد، با بیان اثر تملیکی عقد، به‌طور غیرمستقیم بر ضرورت قابلیت تسلیم موضوع معامله تأکید می‌کند. تحقق مالکیت مشتری بر مبیع، در فرضی معقول است که مبیع از حیث حقوقی و عرفی قابلیت تسلیم و انتقال داشته باشد؛ در غیر این صورت، تحقق اثر تملیکی عقد فاقد پشتوانه عقلایی خواهد بود (قانون مدنی، ماده ۳۶۲: ۱۳۹). بنابراین، از مجموع مقررات قانون مدنی چنین استنباط می‌شود که شرط قدرت بر تسلیم، ناظر بر امکان عقلایی اجرای تعهد و تحقق اثر حقوقی عقد است، نه صرف امکان تحویل فیزیکی و مادی موضوع معامله. این برداشت، به‌ویژه در قراردادهایی که موضوع آن‌ها ماهیت غیرمادی دارد، مانند قراردادهای فکری و پژوهشی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

در این نوع قراردادها، شرط قدرت بر تسلیم به معنای توانایی متعهد در اجرای تعهدات علمی یا پژوهشی است، نه به معنای تحویل یک عین مادی. به عبارت دیگر، در قراردادهای فکری، این شرط به معنای توانایی علمی متعهدین برای انجام فعالیت‌های علمی یا پژوهشی است و نه الزاماً تحویل یک کالای مادی.

۲-۳. شرط قدرت بر تسلیم در رویه قضایی ایران

بررسی آرای منتشر شده از محاکم ایران نشان می‌دهد که رویه قضایی، اگرچه به‌صورت صریح و مستقل به تحلیل نظری شرط قدرت بر تسلیم نپرداخته، اما در عمل، تفسیری عرفی و اجرامحور از این شرط ارائه داده است. دادگاه‌ها معمولاً در مقام رسیدگی، به این نکته توجه دارند که آیا متعهد، در زمان انعقاد قرارداد، از نظر عرفی و عملی قادر به اجرای تعهد خود بوده است یا خیر. در مواردی که موضوع تعهد، انجام عمل یا ارائه خدمات تخصصی بوده، محاکم صرف عدم تحقق نتیجه مطلوب را دال بر فقدان قدرت بر تسلیم ندانسته‌اند؛ بلکه ملاک را احراز تقصیر یا عدم تقصیر متعهد در انجام تعهد قرار داده‌اند. این رویکرد نشان می‌دهد که رویه قضایی، عملاً میان «عدم قدرت بر تسلیم» و «عدم موفقیت در تحقق نتیجه» تفکیک قائل شده و قدرت بر تسلیم را ناظر بر امکان انجام تعهد می‌داند، نه تضمین نتیجه نهایی (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۸۳).

هرچند فقدان آرای وحدت رویه صریح در این زمینه احساس می‌شود، اما تحلیل تصمیمات قضایی پراکنده مؤید آن است که محاکم، در تفسیر شرط قدرت بر تسلیم، از رویکردی منعطف و متناسب با ماهیت تعهدات غیرعینی پیروی می‌کنند. به‌ویژه در قراردادهای فکری و پژوهشی که در آن‌ها موضوع قرارداد غیرمادی است، این تفسیر می‌تواند راهگشا باشد.

۳-۳. شرط قدرت بر تسلیم در دکترین حقوقی

دکترین حقوقی ایران، نقش مهمی در تبیین و توسعه مفهوم شرط قدرت بر تسلیم ایفا کرده است. بسیاری از حقوق‌دانان برجسته، این شرط را ناظر بر «امکان اجرای تعهد» دانسته و تفسیر صرفاً مادی از آن را ناکافی تلقی کرده‌اند.

کاتوزیان، قدرت بر تسلیم را نه به معنای تحویل فوری و فیزیکی موضوع معامله، بلکه به معنای امکان حقوقی و عرفی اجرای تعهد می‌داند و تصریح می‌کند که در قراردادهای خدماتی و عهدی، تسلیم در قالب انجام تعهد تحقق می‌یابد، نه تحویل عین خارجی (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۷۶).

امامی نیز با تفکیک میان تعهد به نتیجه و تعهد به وسیله، بر این نکته تأکید می‌کند که در بسیاری از قراردادها، متعهد تنها مکلف به بذل کوشش متعارف است و عدم تحقق نتیجه، به‌تنهایی دلالت بر فقدان قدرت بر تسلیم یا بطلان عقد ندارد (امامی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۱۹). همچنین صفایی و امامی با تأکید بر نقش عرف در تفسیر تعهدات قراردادی، معتقدند که قدرت بر تسلیم باید با توجه به نوع قرارداد و انتظار متعارف طرفین سنجیده شود و در قراردادهای فکری و تخصصی، معیار، توانایی علمی و حرفه‌ای متعهد در زمان انعقاد عقد است، نه تضمین نتیجه‌ای قطعی (صفایی و امامی، ۱۳۹۶: ۵۲).

این رویکرد، به‌ویژه در قراردادهای فکری و پژوهشی، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. چراکه در این‌گونه قراردادها، غالباً با تعهد به بذل کوشش علمی مواجه هستیم، نه تعهد به نتیجه‌ای کاملاً قابل پیش‌بینی. از این رو، می‌توان گفت دکترین حقوقی ایران، با فاصله گرفتن از تفسیر سنتی و عینی از شرط قدرت بر تسلیم، زمینه پذیرش و اعتبار قراردادهای فکری و پژوهشی را در چارچوب حقوق موضوعه فراهم کرده و این شرط را مفهومی انعطاف‌پذیر و متناسب با تحولات روابط قراردادی دانسته است.

۴. تطبیق شرط قدرت بر تسلیم با ماهیت معاملات فکری و پژوهشی

۴-۱. امکان یا عدم امکان تسلیم در معاملات فکری و پژوهشی

یکی از چالش‌های اساسی در تحلیل شرط قدرت بر تسلیم در معاملات فکری و پژوهشی، تعیین معیار امکان یا عدم امکان تسلیم موضوع قرارداد است. در معاملات سنتی، امکان تسلیم غالباً به معنای توانایی تحویل عین مادی مورد معامله تفسیر می‌شود؛ اما این معیار در خصوص موضوعات غیرمادی، مانند دانش، ایده یا فعالیت پژوهشی کارایی خود را از دست می‌دهد.

در فقه امامیه همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، ملاک بطلان معامله، عدم قدرت مطلق بر تسلیم و تحقق غرر عرفی است، نه صرف غیرمادی بودن موضوع معامله. فقها تصریح کرده‌اند که اگر تسلیم مورد معامله ذاتاً غیرممکن باشد، عقد باطل است؛ اما اگر امکان عقلایی تسلیم، هرچند به صورت تدریجی یا غیرمادی، وجود داشته باشد، شرط قدرت بر تسلیم مخدوش نخواهد شد (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۲، ۳۷۶).

در معاملات فکری و پژوهشی، تسلیم به معنای انتقال فیزیکی عین خارجی مطرح نیست، بلکه موضوع قرارداد غالباً در قالب ارائه نتیجه پژوهش، گزارش علمی یا انجام فعالیت تخصصی متجلی می‌شود. از این رو، نمی‌توان به صرف غیرعینی بودن موضوع، حکم به فقدان قدرت بر تسلیم داد؛ بلکه باید بررسی کرد که آیا متعهد، از نظر عرفی و عقلایی، قادر به انجام تعهد مورد توافق بوده است یا خیر. در قراردادهای فکری و پژوهشی، به ویژه در قراردادهای پژوهشی یا مشاوره علمی، قدرت بر تسلیم به معنای توانایی علمی و فنی متعهد است. اگر متعهد از نظر علمی و پژوهشی قادر به انجام تعهدات علمی خود باشد، شرط قدرت بر تسلیم محقق می‌شود، حتی اگر نتیجه نهایی، مانند نتایج تحقیقاتی به طور قطعی قابل پیش‌بینی نباشد. به این ترتیب، در قراردادهای فکری و پژوهشی، ارزیابی قدرت بر تسلیم باید بر اساس توانایی اجرای تعهدات علمی و پژوهشی متعهدین انجام شود، نه الزاماً تحویل یک کالای مادی یا نتیجه مشخص.

۴-۲. تسلیم مادی در برابر تسلیم اعتباری

تحلیل تطبیقی فقه و حقوق نشان می‌دهد که مفهوم تسلیم، همواره به تحویل مادی محدود نبوده است. در فقه امامیه، تسلیم در بسیاری از موارد به صورت اعتباری و از طریق ایجاد امکان انتفاع یا سلطه حقوقی محقق می‌شود. برای مثال در اجاره اشخاص یا عقود عهدی، تسلیم به معنای فراهم کردن امکان بهره‌مندی از عمل متعهد است، نه تحویل شیء خارجی (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۹۴).

در حقوق ایران نیز، تحلیل ماده ۱۹۰، ماده ۳۴۸ و ماده ۳۶۲ قانون مدنی نشان می‌دهد که شرط قدرت بر تسلیم ناظر بر امکان اجرای تعهد و تحقق اثر حقوقی عقد است، نه لزوماً تحویل فیزیکی موضوع معامله. به همین دلیل، در قراردادهای خدماتی، مانند قراردادهای مشاوره علمی یا پژوهشی، انجام تعهد قراردادی معادل تسلیم تلقی می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۷۶).

در معاملات فکری و پژوهشی، تسلیم ماهیتی اعتباری دارد و از طریق ارائه اثر فکری، گزارش پژوهشی یا انجام فعالیت علمی تحقق می‌یابد. این نوع تسلیم، اگرچه فاقد عنصر مادی است، اما از حیث حقوقی و فقهی، می‌تواند مصداق کامل تسلیم محسوب شود؛ مشروط بر آنکه امکان عقلایی انجام تعهد وجود داشته باشد و معامله غرری تلقی نشود. در این قراردادها، قدرت بر تسلیم به معنای توانایی متعهد در انجام فعالیت علمی یا پژوهشی است. به‌عنوان مثال، در یک قرارداد پژوهشی، تسلیم به معنای ارائه نتایج تحقیقاتی است که با استفاده از توانایی علمی و پژوهشی متعهد انجام می‌شود، نه تحویل یک عین مادی. بنابراین، در قراردادهای فکری و پژوهشی، قدرت بر تسلیم باید به‌طور خاص به توانایی متعهد در انجام تعهدات فکری تفسیر شود، نه الزاماً تحویل فیزیکی یا مادی.

۴-۲-۱. تمایز میان «قدرت بر تسلیم» و «شیوه تسلیم» در اموال و حقوق فکری

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در تحلیل قدرت بر تسلیم در حوزه حقوق مالکیت فکری مغفول مانده، تفکیک میان «قدرت بر تسلیم» به‌عنوان شرط صحت عقد و «شیوه تسلیم» به‌عنوان نحوه اجرای تعهد است. این تفکیک در معاملات فکری نقشی بنیادین دارد و عدم توجه به آن باعث خلط تحلیل‌های فقهی و حقوقی شده است. در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران، «قدرت بر تسلیم» ناظر به امکان عقلایی انتقال عین یا حق در زمان انعقاد معامله است. معیار آن پرسش‌هایی از این دست است:

- آیا انتقال دهنده در زمان عقد واقعاً مالک حق فکری یا دارنده مجوز قانونی انتقال بوده است؟
 - آیا از نظر فنی و حقوقی امکان انتقال آن حق وجود داشته است؟
 - آیا موضوع تعهد ذاتاً قابل تحقق بوده است؟
- بر این اساس، فقدان قدرت واقعی برای انتقال یک حق یا انجام یک تعهد علمی فکری، موجب بطلان عقد است (رجوع کنید به: جواهرالکلام، ج ۲۲: ۳۶۵-۳۷۶؛ مواد ۳۴۸ و ۳۴۹ ق.م).
- در مقابل، «شیوه تسلیم» مربوط به چگونگی اجرای تعهد پس از انعقاد عقد است؛ مانند:
- تحویل نسخه دیجیتال اثر؛

- ثبت رسمی انتقال حق اختراع؛
 - ارائه مستندات فنی، کد منبع یا دانش فنی؛
 - فراهم کردن امکان بهره‌برداری از حق.
- این موضوعات مربوط به «وفای به عهد» هستند نه «صحت عقد» (محمدی، ۱۳۹۸: ۹۷). بنابراین، در قراردادهای فکری ممکن است شیوه اجرا محل اختلاف واقع شود؛ مثلاً کیفیت فایل یا نحوه ارائه دانش فنی، اما چنین اختلافی نشان دهنده فقدان قدرت بر تسلیم نیست، مگر آنکه معلوم شود اصل انتقال یا اجرای تعهد از ابتدا غیرممکن یا غیرعقلایی بوده است. به بیان دیگر:
- فقدان توان واقعی برای انجام تعهد (نداشتن دانش فنی، مالک نبودن حق، عدم امکان حقوقی انتقال) → موجب بطلان از حیث فقدان شرط قدرت بر تسلیم.
 - اختلاف در کیفیت، زمان‌بندی یا نحوه تحویل → موجب مسئولیت قراردادی، نه بطلان معامله (شهیدی، ۱۳۹۰: ۲۷۴).

این تفکیک در قراردادهای مالکیت فکری اهمیت مضاعف دارد؛ زیرا در این حوزه، تسلیم غالباً ماهیتی اعتباری دارد و شیوه آن تابع عرف تخصصی و ساختار فنی حق فکری است. بنابراین شناخت دقیق تفاوت قدرت بر تسلیم و شیوه تسلیم، امکان اعمال صحیح قواعد کلاسیک فقه و حقوق بر معاملات فکری را فراهم می‌سازد.

۳-۴. تعهد به نتیجه یا تعهد به وسیله

تمایز میان تعهد به نتیجه و تعهد به وسیله، نقش تعیین‌کننده‌ای در تطبیق شرط قدرت بر تسلیم با معاملات فکری و پژوهشی دارد. در تعهد به نتیجه، متعهد مکلف است نتیجه‌ای معین را محقق سازد و عدم تحقق آن، به‌طور معمول، به معنای عدم اجرای تعهد تلقی می‌شود. در مقابل، در تعهد به وسیله، متعهد تنها موظف به بذل کوشش متعارف و استفاده از توان علمی و حرفه‌ای خود است و تحقق نتیجه، تضمین شده نیست. فقه امامیه، در مواردی مانند اجاره اشخاص برای تعلیم، طبابت یا انجام کار تخصصی، تعهد را از نوع تعهد به وسیله دانسته و عدم حصول نتیجه را، در صورت فقدان تقصیر، موجب بطلان عقد یا عدم تحقق شرط قدرت بر تسلیم تلقی نکرده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ۱۶۰).

در حقوق ایران نیز دکترین حقوقی با پیروی از همین منطق، غالب قراردادهای فکری و پژوهشی را در زمره تعهدات به وسیله قرار می‌دهد. در این نوع تعهدات، قدرت بر تسلیم به معنای توانایی عرفی متعهد برای

انجام فعالیت علمی در زمان انعقاد عقد است، نه تضمین دستیابی به نتیجه‌ای خاص (صفایی و امامی، ۱۳۹۶: ۵۴). بنابراین در معاملات فکری و پژوهشی، شرط قدرت بر تسلیم زمانی محقق است که متعهد از حیث علمی و تخصصی و عرفی، قادر به بذل کوشش متعارف برای انجام تعهد باشد. عدم تحقق نتیجه نهایی، مادامی که ناشی از تقصیر متعهد نباشد، نه تنها دلالت بر فقدان قدرت بر تسلیم ندارد، بلکه با ماهیت این گونه معاملات نیز سازگار است.

نتیجه تطبیق مبانی فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران نشان می‌دهد که شرط قدرت بر تسلیم، مفهومی انعطاف‌پذیر و قابل انطباق با تحولات روابط قراردادی است. در معاملات فکری و پژوهشی، تسلیم نه به صورت مادی، بلکه به صورت اعتباری و تعهدمحور تحقق می‌یابد و قدرت بر تسلیم، به معنای امکان عقلایی انجام تعهد تفسیر می‌شود. این برداشت، ضمن جلوگیری از غرر و جهل، امکان اعتبار و صحت این گونه قراردادها را در چارچوب فقه و حقوق فراهم می‌سازد. بدیهی است در مواردی که موضوع قرارداد فکری یا پژوهشی ذاتاً غیرقابل تحقق بوده یا متعهد در زمان انعقاد عقد فاقد توانایی علمی و عرفی لازم برای انجام تعهد باشد، شرط قدرت بر تسلیم محقق نشده و عقد از حیث فقهی و حقوقی باطل خواهد بود.

نتیجه‌گیری

گسترش معاملات مبتنی بر دانش، پژوهش و فعالیت‌های فکری، ضرورت بازاندیشی در برخی مفاهیم کلاسیک حقوق قراردادها را آشکار ساخته است. یکی از این مفاهیم، شرط «قدرت بر تسلیم» به عنوان یکی از شرایط اساسی صحت معامله در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران است. تحلیل فقهی و حقوقی این شرط نشان می‌دهد که مقصود از آن، صرف امکان تحویل مادی مورد معامله نیست، بلکه ملاک اصلی، وجود امکان عقلایی و متعارف برای اجرای تعهد و جلوگیری از تحقق غرر در معامله است.

با توجه به این مبنا، غیرمادی بودن موضوع در معاملات فکری و پژوهشی به خودی خود مانع تحقق شرط قدرت بر تسلیم محسوب نمی‌شود. در این دسته از قراردادها، تسلیم غالباً در قالب انجام فعالیت علمی، ارائه گزارش پژوهشی، انتقال دانش فنی یا افشای نتایج تحقیق تحقق می‌یابد که ماهیتی اعتباری و تعهدمحور دارد. از این رو، مفهوم تسلیم در این معاملات باید به گونه‌ای تفسیر شود که با ماهیت غیرمادی موضوع قرارداد سازگار باشد. همچنین، تفکیک میان «قدرت بر تسلیم» به عنوان شرط صحت عقد و «شیوه تسلیم» به عنوان نحوه اجرای تعهد، از اهمیت اساسی برخوردار است. فقدان قدرت بر تسلیم در زمان انعقاد عقد می‌تواند موجب بطلان قرارداد گردد، در حالی که اختلاف در شیوه یا کیفیت اجرای تعهد، اصولاً در قلمرو مسئولیت

قراردادی قرار می‌گیرد و تأثیری بر اعتبار عقد ندارد. از سوی دیگر، بررسی ماهیت تعهدات در معاملات فکری و پژوهشی نشان می‌دهد که این تعهدات در اغلب موارد از نوع «تعهد به وسیله» هستند. در چنین تعهداتی، متعهد مکلف به به‌کارگیری تلاش متعارف و تخصص علمی خود برای تحقق هدف قرارداد است، نه تضمین قطعی نتیجه. بنابراین، عدم حصول نتیجه مورد انتظار، مادامی که ناشی از تقصیر یا تخلف متعهد نباشد، دلالتی بر فقدان قدرت بر تسلیم یا بطلان قرارداد نخواهد داشت.

در مجموع می‌توان گفت که با تفسیر عرفی و تعهدمحور از شرط قدرت بر تسلیم، امکان انطباق این شرط با ماهیت معاملات فکری و پژوهشی فراهم می‌شود. چنین تفسیری ضمن حفظ مبانی فقهی و حقوقی این شرط، زمینه انطباق آن با تحولات نوین اقتصادی و گسترش اقتصاد دانش‌بنیان را نیز فراهم می‌سازد.

فهرست منابع

- امامی، سید حسن (۱۳۸۹). **حقوق مدنی**، جلد ۱. تهران: اسلامیه.
- حسینی نیک، سید حسین (۱۳۹۴). **قراردادهای بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری (لیسانس)**. تهران: جنگل.
- رجبی، محمد (۱۳۹۶). **حقوق رایانه: مالکیت، قراردادها و مسئولیت‌ها**. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شهید ثانی، زین‌الدین عاملی (۱۴۱۳ق). **مسالك الافهام**، جلد ۳. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۰). **اعمال حقوقی**. تهران: مجد.
- صفایی، حسین و امامی، عبدالله (۱۳۹۶). **حقوق مدنی (تعهدات)**. تهران: سمت.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). **تذکرة الفقهاء**. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴). **عقود معین**، جلد ۱. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴). **قواعد عمومی قراردادها**، جلد ۱. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- محمدی، پژمان (۱۳۹۸). **حقوق مالکیت فکری: انتقال و بهره‌برداری از حقوق فکری در حقوق ایران و بین‌الملل**. تهران: سمت.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۴۲۱ق). **تحریر الوسیله**، جلد ۱. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). **جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام**، جلد ۲۲. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، مصوب ۱۳۸۶.
- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، در نظم حقوقی کنونی.